

عید السلام را بر سید کوفت نماز شد کت لا ونع دلیل است بر حقیقت این سخن
 اگر بخواهد الوهیت سرور پیغامبران این مقدار صاف را در کیش قطع کند حال نباشد
 و پیش او یار الدین ظاهر است چون ارواح ایشان از عروج می افتد از خواب طیفور بخوابد
 رحمت الله علیه منقولست که وی ذکر معراج بسیار کردی در مجلس خود فرمود امام شمس العارفین
 سجاده نوری که صاحب ذوق قرآنت رحمت الله علیه گشت مرغ دلش ایشان آغا دارا
 برای آن بسیار میخند که تو خود را ندانی که گیتی و جسمی امثال اینها بر تو رسیده باشد
 بیت کرمی دانی بجز و لای بجز خود ندانی که بجز اینها بجز **عالم** جان محمد علمایست این
 که جهانی نمی گم در راه دین **عالم** چون دیدگان آن سرگوترک وطن کرد **عالم** ببلبل چون دید که در قطع
 امثال آن سخن را بر تو پوشیده نباشد اللهم تبتنا علی صدیق الانبیاء و رزقنا احوال الایة
 چون حضرت ذوالجنان بیان کرده حال آدمیا را پس از آن سوگند یاد کرد و اما کانون
 که خود را ترک نکردند و ایمان نیارودند کت جل جلاله بر طبق استفهام بر و بچه
 قاطعه **لا یؤمنون** پس چه بوده است این کافران که ایمان نمی آرند با وجود جنین
 دلایل عظام و برقرارات دوم یعنی **لکن** معنی این باشد که چه بوده است رزق کافران
 که ایمان نمی آورند معراج محمد صلی الله علیه و سلم **و اذا قرئ علیکم القرآن لا تستمعون**
 و چه بوده است رزق کافران که چون خوانده می شود برایشان **خبر** را سر بر زمین می کشند

یعنی نماز میکارند و اتقوا و احکام شریعت می کنند و قیامت را می گویند و نوحی
 صلی الله علیه و سلم چون این آیت را بر خواندی سجده کردی **بل الذین کفروا انا کما کان**
 می گویند قیامت خواهد بود و نیست بلکه چنین است که ایشان می گویند **یکدیگر**
 دروغ گوی میدارند بیغایر از قرآن را **والله اعلم بما یؤمنون** و چه می پرسند از آن
 آنچه ایشان چنان میدارند در دل خود و جمع میکنند در سینه خود **الا یبصرون** و راستی خبری
 دروغ یعنی **فی نزلت فلیس یسمعون** **بالحق** **الیه** **یسیر** **سزوه** **ده** **ایشان** **بر طبق** **استند**
 و بجز این آیت را بشنوند و در دنیا که در جهان در روز **الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات**
 یعنی استقامت و منقطع است لیکسانی که گردیدند و علمای نیک گردند **لهم اجر**
عظیم **ممنون** مرایشان را زنده هرگز نکند و با فرزند با این بریدن و منت نهادن
والله اعلم بالصواب **بسم**
و السماء ذات البروج بحمت آسمان با جهای یعنی دوازده برج که حمل و ثور و
 جوزا و سرطان و اسد و سنبله و میزان و عقرب و قوس و جدی و دلو و حوت
 ثلث در هر سی روزی یکی و یک روزی سی و روزی بیست و نه روز آفتاب یک
 برج را قطع کند و در هر روزی چیزی از روز ماه یک برج را قطع و آن بیست و هشت
 روز باشد و در هر شب ماه پوشیده کرده و آفتاب را یک سال باید که تا فلک را قطع کند